

خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی

(سرگذشت زندگانی من)

به اهتمام: غلامحسین میرزا صالح

www.ketab.ir

زندگانی ابراهیم ۱۲۳۴-۱۳۰۷

خاطرات شیخ ابراهیم زندگانی (سرگذشت زندگانی من) به اهتمام غلامحسین میرزا صالح
تهران کویر ۱۴۰۱

ISBN: 978-964-6144-54-5

۲۷۰ ص

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

۱- زندگانی ابراهیم ۱۲۳۴-۱۳۰۷ سرگذشت نامه

۲- ایران - تاریخ - قاجاریان ۱۱۹۳-۱۳۲۴ ق

۳- مجتهدان و علما - ایران - سرگذشت نامه الف میرزا صالح غلامحسین ۱۳۲۴

الف گردآورنده ب عنوان

۲۹۷/۹۹۸

BP/۵۵/۳/ز ۹۱۳

م ۷۹/۱۳۵۱۶

کتابخانه ملی ایران

www.ketab.ir



خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی

(سرگذشت زندگانی من)

به اهتمام: غلامحسین میرزا صالح

طراح جلد: سعید زاشکانی - امور فنی و صفحه آرایی: انتشارات کویر

چاپ و صحافی: غزال - شمارگان: ۴۰۰ - قیمت: ۸۹۰۰۰ تومان

شابک: ISBN: 978-964-6144-54-5 • چاپ اول ۱۳۷۹ • چاپ ششم ۱۴۰۱

نشانی: تهران. کریم خان زند، ابتدای قائم مقام فراهانی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر

کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۱ • تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ • شماره: ۸۸۳۴۲۶۹۷



Kavirbook@gmail.com



KavirPublishingCo



[Kavir.Pub](https://www.kavir.pub)

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

مقدمه ناشر ۷

فصل اول

سرگذشت زندگانی من شیخ ابراهیم زنجانی از سال ۱۲۹۷ هجری قمری بیست و

پنجمین سال عمر ۲۷

فصل دوم

دوره پنجم زندگانی از سنه ۱۳۰۵ تا سنه ۱۳۱۲ سی و سه سالگی عمر من و حسن

محبت خانواده و اولاد ۱۲۵

فصل سوم

قسمت ششم عمر یعنی هشت سال از سنه ۱۳۱۲ هجری قمری تا سال ۱۳۲۰ تکاثر

در اموال و اولاد ۱۶۹

فصل چهارم

قسمت هفتم عمر من از سنه ۱۳۲۰ قمری تا ۱۳۲۸ یعنی از چهل و هشتم عمر تا

پنجاه و ششم تکاثر در اموال و اولاد ۲۰۹

مقدمه ناشر

دفتر اتوبیوگرافی (زندگینامه خودنوشت) در تاریخ ما چندان پربرگ نیست. شاید قدیمی ترین زندگینامه خودنوشتی که در دست داریم از آن بوعلی سینا باشد که گویند به شاگردان خود املا می کرده و یکی از آن مکتوبات، متعلق به ابو عبید جوزجانی، ماندگار شده و مورخان و نویسندگان تاجم از آن سود برده اند.

«آورده اند که جماعتی از تلامذه شیخ ری را از مبادی حال او سؤال کردند. پس شیخ برای ایشان احوال خویش را به این صورت املا کرد که پدرم مردی بود از اهل بلخ...» (تاریخ الحکما، ترجمه فارسی، به کوشش بهین داریی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ص ۵۵۵). مورد مشهور دیگر المنقذ من الضلال ابو حامد غزالی است، که بیشتر شرح احوال درونی و روحی و نحوه تکوین آراء و اندیشه های خود را در آن آورده است. همچنین برخی از علما در پاره ای از آثار خود، به ویژه در مقدمه، به گوشه هایی از سوانح احوال خود اشاراتی دارند که خواننده را با ابعادی از زندگی ایشان، یا دوره ای که در آن می زیسته اند، آشنا می کند (مثلاً صدرالمثنائین شیرازی در مقدمه اسفار اربعه، کیفیت گذارش را از اصالت ماهیت به اصالت وجود، یا آزارهایی که از «جهله» عصر خود دیده است شرح می دهد).

اگر بخواهیم این کارنامه را پر بارتر کنیم، شاید بتوانیم «مقاتل» و «مثالب» را نیز در زمره، یا همردیف چنین نوع ادبی بگنجانیم. «مقاتل» (برای نمونه مقتل الحسین، یا مقتل محمد بن ابی بکر) کتاب هایی است که به واقعه کربلا اختصاص دارند «مثالب»

کتاب‌هایی است در نَسَب. سیره‌ها نیز به نحوی دیگر با این مقوله پیوند دارند. این سیره‌ها یا مختص رسول اکرم‌اند و به «سیره النبویة» مشهورند و جنگ‌های صدر اسلام را دربرمی‌گیرند، یا به حوادث پس از زمان پیامبر می‌پردازند (مثل سیره معاویه و بنی‌امیه از عنوانه کلی).

به هر حال، چنان‌که می‌دانیم، زندگی‌نامه‌ها - اعم از خودنوشت و دیگرنوشت - منابع عمده و مهمی برای شناخت حوادث هر عصر و آگاهی از رویدادهای مکان / مکان‌هایی خاص‌اند و ضمن آنکه چهره دقیق‌تری از شخصیت اصلی ترسیم می‌کنند بر گوشه‌های تاریخ و مبهمی نیز در تاریخ نور می‌اندازند. این نوع ادبی، در مضمون و شکل جدیدش، فرآورده‌ای غربی است و در دوره جدید ما نیز غالب آنان‌که شجاعت و جسارت طرح احوال شخصیه و اوضاع زمانه خود را داشته‌اند به نحوی از متکوبات مشابه فرنگی آن منمهم بوده‌اند. با این حال، مسلمانان به دلیل اعتقاد به توبه و ستار بودن خداوند از طرح برخی امور شخصی اجتناب کرده‌اند؛ چنین حد از اجتنابی در عسالم مسیحیت محدود است. ادب «اعتراف» به چشم نمی‌خورد و زندگی‌نامه‌های آنان برخی از جوانب خصوصی‌تر زندگی را نیز شامل می‌شود (می‌توان گفت آقاجنفی قوچانی در سیاحت شرق ادبکی با فراتر از حدود معمول و جاری نهاده است. شرحی که او از متعه کردن، یا دل‌باختن بر سر نماز دارد، از چیزهایی است که بیان آنها مایه شگفتی، و البته تحسین صداقت و شهامت است).

کتاب حاضر

اثری که اینک پیش روی شماست به عالمی تعلق دارد که بیست سال از زندگی خود را در راه کسب دانش اسلامی در نجف سپری کرده است و سپس، با بازگشت به زادگاهش، زنجان، شهرت و قبول عام یافته و مصدر خدمات و اصلاحات بسیار واقع شده است.

شیخ ابراهیم زنجانی به سال ۱۲۷۲ قمری در زنجان تولد یافت. در آغاز، همچون کودکان دیگر، به مکتب راه یافت. در ۱۹ سالگی برای تکمیل دانش فقهی و سیر در عوالم روحانی و معنوی قصد عتبات می‌کند. در نجف از محضر اساتیدی چند بهره

می‌گیرد: «شخص بزرگوار عالی مقام آقا شیخ محمد لاهیجی... به درس عمومی خارج رسائل او هم حاضر می‌شدم... آخوند ملا کاظم که ارشد شاگردان حاجی میرزا حسن شیرازی بود... به درس اصول او حاضر می‌شدم. به درس مرحوم حاجی میرزا حبیب‌الله رشتی هم مدت زیادی حاضر شدم. به فقه حاجی میرزا حسن و حاجی میرزا خلیل حاضر می‌شدم... به درس مرحوم فاضل ایروانی، اعنی آخوند ملا محمد ایروانی حاضر می‌شدم... به درس اصول آخوند ملا کاظم خراسانی حاضر می‌شدم... یک‌چند به درس شیخ هادی تهرانی رفتم و بعد چون او را متهم کردند، ترک نمودم.» (صص ۱۵، ۱۶، ۲۵، ۲۶ و ۲۷).

او در عتبات به سختی معیشت می‌کند و روزگار می‌گذرانند. همه‌اهتمام او مصروف تحصیل است. اما در همین دوره آرام‌آرام با واقعیت تلخ جهان خارج مواجه می‌شود. او که پیشتر می‌پنداشته اهالی کربلا، نجف و سامرا حتی مرتکب صغائر هم نمی‌شوند، اینک در می‌یابد که همه شهرها و بلاد چون یکدیگرند و فسق و دزدی و فحشا و... گویی هر جا که مسکنت کند از بی می‌آید و جامعه‌ای نیست که از آن بری باشد.

باری، زنجانی - در کنار همسرش که چندی بعد به او ملحق شده - بیست سال در نجف می‌ماند و پس از پایان تحصیلات عزم وطن می‌کند. در حالی عازم شدم به ایران برگردم که خودم را مستغنی از تحصیل فقه و اصول دیده و به نهایت درجه‌ای که آمال داشتم رسیده می‌پنداشتم» (ص ۲۸). او در ۱۳۰۵ ق، در ۳۹ سالگی باز می‌گردد. به زنجان می‌رود. در آنجا زندگی سختی را آغاز می‌کند. تدریجاً شناخته می‌شود. مجلس درس می‌نهد و امام جماعت مسجدی می‌شود. علمای دیگر بر او حسد می‌ورزند. به او پیشنهاد می‌شود به تهران برود ولی «اقامت طهران را منافی تقوی می‌دانستم. دیگر [اینکه] ترسیدم فارسی به این خوش‌بیانی ترکی، زبان مادری توانم نطق کنم» (ص ۱۰۹). به او پیشنهاد می‌شود از مستمری استفاده کند، ولی «از مال دیوان و مالیات که حرام است نمی‌خورم» (ص ۱۱۱). وقایع مشروطه پیش می‌آید. او را تهدید می‌کنند: «بالاخره سفارش کردند که فلانی اگر به این مسجد بیاید آزارش می‌کنیم و کتک می‌زنیم. من ترک مسجد کردم» (ص ۱۲۱). حلقه درسش پیش از

گذشته رونق می‌گیرد؛ «طلاب باسواد به درس من زیاد رغبت می‌کنند. از وسایل ظهارت و مکاسب شیخ مرتضی درس می‌گویم» (ص ۱۲۳). به تدریج درمی‌یابد که در غرب خیرهایی است. «خیلی رغبت به علوم غریبه دارم» (ص ۱۲۳). با مجلات و روزنامه‌های چاپ خارج از ایران آشنا می‌شود. تا اینکه «کم‌کم معرفیت و مرجعیت من و مسلمیت در تقوا و درستی و بی‌طمعی بیشتر گردید» (ص ۱۲۵). باز او را تهدید می‌کنند، ولی «همه [ائمه جماعات] تصمیم کردند فردا هیچ‌یک به مسجد نرفته، به سایر ائمه و آقایان هم اطلاع بدهند همه مسجد [هایشان] را ترک کنند، مردم خود دانند» (ص ۱۳۲). «کم‌کم به منصف ریاست و اظهار صنیّت» می‌افتد (ص ۱۴۴). نشانه‌های بیداری جدیدی در او پدید می‌آید. «اول تنبّه من از خواندن جبل‌المتین کلکته و روزنامه پرورش شد که از وضع جهان اشاراتی می‌کردند و ایران را بدبخت می‌شمردند» (ص ۱۴۸). به خواندن رمان می‌پردازد (ص ۱۴۹). همسرش در ۱۳۱۴ فوت می‌کند: «اه! چه تنگی به دل و جان من زد» (ص ۱۵۳). دوباره ازدواج می‌کند. «کم‌کم منتفت علوم عصری» می‌گردد (ص ۱۵۵). در زنجان «مدرسه جدید» تأسیس می‌کند؛ «مردم دیدند اطفال واقعا در شش ماه به قدر شش سال مکاتب قدیم ترقی کرده، می‌خوانند و می‌نویسند» (ص ۱۸۶). فکر اصلاحات در او شدت می‌گیرد. «با همه این حال، چون نه یک مرد بزرگ‌همتی هست که در سر هوای احیای ایران یا لامحاله رسیدن به سلطنت و استقلال داشته باشد و نه حزب و گروهی منورالفکر در فکر اصلاح احوال و اوضاع است، هر شخصی و یا جمعی هم در این خیالات باشد خوف دول همجوار طماع مانند هیولای مهیب جلو آن افکار را گرفته...» (ص ۱۹۲-۳). به دنبال راه حل می‌گردد. نیروهای اجتماعی را برمی‌سنجد؛ «مردمان نارضا بر دو قسمت می‌شوند، یک قسمت اکثریت بی‌خبر از بطون امور و نادان به حقایق، لکن از بدبختی به ستوه آمده‌اند، فقط امنیت و رفاهیت و خلاصی از این مردم آزاران بی‌حد و عناوین بی‌شمار می‌خواهند... یک قسمت خیلی کم از مردمان با عقل و شعور و حس آزادی و استقلال و وطن و ملیت خواه باخبر از اوضاع و ترقیات ملل متمدنه که یا به واسطه مسافرت و اقامت در بلاد خارجه... یا به واسطه اطلاعات و معاشرت... یا به واسطه کتب و جراید و تحریرات محرمانه اوضاع ملل را دانسته...